

اصل نهم :اشتیاق

"قلب شما ، منبع انرژی برای تیم شماست"

"اگر اشتیاق وجود نداشت هیچ چیز بزرگی قابل دسترس نبود"

هیچ چیز جای اشتیاق را نمی گیرد. وقتی اعضای یک تیم مشتاق هستند ، همه تیم به شدت انرژی می گیرد و این انرژی نیرو می گیرد و مردم عموماً در هر کاری که برای آن اشتیاق دارند می توانند موفق شوند.

اما باید برای کسی که نمی تواند از صمیم قلب مشتاق کارش باشد، احساس تأسف کرد. چنین شخصی نه تنها هیچ وقت خرسند نخواهد بود، بلکه به چیز ارزشمندی نیز دست نخواهد یافت.

ویژگی های افراد مشتاق به صورت زیر دسته بندی کرد:

1- مسئولیت اشتیاق خودشان را می پذیرند:

افراد مثبت بدین دلیل مثبت هستند که می خواهند مثبت باشند. افرادی که منتظر می مانند تا نیرو های خارجی به آنها در جرقه زدن اشتیاقشان کمک کند، کسانی هستند که همیشه متکی به لطف دیگران هستند. آنها بسته به وقایع پیرامونشان ممکن است گرم و یا سرد شوند.

2- با عمل کردن ، به حس کردن می رسند:

اگر شروع نکنید ، نمی توانید برنده شوید. اگر فرد مشتاقی باشید باید عمل به آن را شروع کنید. اگر منتظر احساس قبل از عمل هستید ، هرگز مشتاق نخواهید شد.

3- به آنچه که انجام می دهند ، ایمان دارند:

یکی از بهترین راه ها ، فکر کردن به تمام جنبه های مثبت کارتان است. برای رسیدن به آن می بایست روی کارتان متمرکز شوید.

4- وقتشان را با دیگر افراد مشتاق می گذرانند:

اشتیاق مسری است. در حضور فردی که مثبت می اندیشد، بی تفاوت ماندن یا خنثی بودن کار مشکلی است. به همین دلیل مهمترین کاری که می کنند این است که اشتیاق خود را با دیگران تقسیم می کنند.

چگونه عمل کنیم :

- یک حس فوریت از خود نشان بدهید. یک راه خوب برای برافروختن اشتیاق این است که کارها را با اضطرار و فوریت بیشتری انجام دهید.
- بخواهید که کار بیشتری انجام دهید. بادیگران بیشتر راه بیابید. اگر کسی از شما کاری خواسته است ، کمی بیش از آن خواسته انجام دهید و تأثیرش را روی تیم ببینید.
- برای عالی بودن تلاش کنید. بهترین آمادگی برای اینکه کاری را فردا خوب انجام دهیم این است که امروز کارمان را خوب انجام دهیم.

اصل دهم :

هدفمند بودن

"هر عملی را با حساب انجام دهید"

"در میان جمع بودن و پیروی کردن از عقاید جمع آسان است. اما انسان بزرگ کسی است که در میان جمع و در کمال خوشرویی استقلال فردی خود را حفظ کند"

"حین انجام کارهای کوچک به کارهای بزرگ فکر کنید تا بدین ترتیب تمام کارهای کوچک در جهت درست پیش بروند"

هدفمند بودن یعنی تمرکز روی انجام کارهای درست به صورت لحظه به لحظه و روز به روز و سپس پیگیری آنها بصورت مستمر.

افراد موفق هدفمند هستند. آنها پراکنده و بی حساب کار نمی کنند.

هرکس که بخواهد با هدفمندی زندگی کند، باید کارهای زیر را انجام دهد:

1- هدفی داشته باشید که ارزش زندگی کردن دارد:

اگر حس نیرومندی از هدف نداشته باشید، نمی توانید هدفمند باشید.

بعضی از آدمها آنچه را که می خواهند نمی توانند انجام دهند. در حالی که آنها فقط یک دلیل لازم دارند و آن اینکه چرا می توانند.

2- نقاط ضعف و قوت خود را بشناسید:

حقیقت این است که مردم کاری را دوست دارند انجام دهند که آنها بلد هستند. اگر به خودتان مسلط شوید وقت و انرژی خود را در راهی هدفمند جهت دهی می کنید.

3- مسئولیت های خودتان را در اولویت قرار دهید:

وقتی که معنی چرای زندگی خود را بفهمید، فهمیدن از چپی و چه وقت آن برایتان بسیار راحت تر است. و باید بدانیم که انسان به این دنیا نمی آید که هر کاری را انجام دهد بلکه برای انجام دادن بعضی از کارها خلق شده است.

4- بیاموزید که نه بگویید:

باید بدانیم که می بایست در موقعیتی قرار بگیریم که بدون تمرکز کافی، کار زیادی را انجام دهیم. اگر سعی کنید که هر چیز خوبی که بر سر رهاقتان قرار می گیرد انجام دهید، در آن چیزی که می خواستید انجام دهید سرآمد نخواهید شد.

5- خودتان را به موفقیت دراز مدت متعهد کنید:

رویکرد همه یا هیچ و کوتاه مدت به زندگی، به ضرر اکثر افراد است. این گونه افراد می خواهد یا یک برنده بزرگ باشند و یا اصلاً کاری نکنند. در صورتیکه اکثر پیروزیها در زندگی از درون پیروزیهای کوچک و فزاینده ای بدست می آید که در طول زمان کسب شده است.

"تمایل به تعهد بلند مدت به فرآیند موفقیت و نتایج آن، شما را قادر خواهد ساخت تا هدفمند تر باشید"

چگونه عمل کنیم :

- نقاط قوت و ضعف خود را بیابید.

- در رشته تحصیلی و کاری خود متخصص شوید.

- تقویم خودتان را هدفمندانه برنامه ریزی کنید.

اصل یازدهم :

آگاهی از وظیفه

"پایداری در هدف ، رمز موفقیت است"

ویژگی افرادی که نسبت به وظایف خود آگاه هستند عبارتند از :

- 1- آنها می دانند که تیمشان به کجا می رود:
وقتی که مأموریت خودتان را کشف می کنید ، تقاضای آن را احساس می کنید.
- 2- آنها به رهبر تیم اجازه می دهند که رهبری کند:
رهبری یعنی توانایی تبدیل یک تصور به یک واقعیت.
- 3- آنها موفقیت تیم را مهم تر از موفقیت خود می دانند:
کار تیمی نیاز به فداکاری دارد. مأموریت نهایی تیم مد نظرشان قرار می گیرد.
- 4- آنها هر کاری را که برای انجام مأموریت تیم لازم است انجام می دهند:

و اما در عمل باید:

- ببینیم که تیم روی مأموریتش تمرکز می کند یا نه ؟
- اگر ارشها ، مأموریت ، اهداف و اعمال تیم با هم جور نیستند ، مشکلات زیادی پیش رو خواهید داشت.
- اگر معلوم نیست تیم به کجا می رود ، تیم شما تیم واقعی نیست.
- باید راه هایی را پیدا کنیم که هدف از مأموریت گم نشود.

"اعضای خوب یک تیم ، تنها حال را نمی بینند، بلکه آنها همیشه از مأموریت تیم آگاه بوده و طوری عمل می کنند که به انجام مأموریت کمک کنند"

اصل دوازدهم :

آمادگی

"آمادگی می تواند به معنی فرق بین برد و باخت باشد"

"پیشرفت های چشمگیر از آمادگی نه چندان چشمگیر حاصل می شود"

"آماده شدن بهتر از حیران کردن است"

"فردی که آماده است نیمی از مبارزه را انجام داده است"

برای اینکه خود را آماده کنید:

- 1- ارزیابی : باید بدانید که برای چه چیزی باید آماده باشید.
- 2- تنظیم : اگر می دانید که به کجا می روید باید طوری تنظیم کنید که به موقع به مقصد برسید. تنظیم خوب ، موفقیت را ممکن و تنظیم بد موفقیت را غیر ممکن . به این کار ندارد که چقدر آماده هستید و لازم نیست که سخت کار کنید بلکه باید کار درست را انجام دهید.
- 3- طرز تلقی : اگر به خود و هم تیمی های خود ایمان داشته باشید ، خودتان را برای موفقیت آماده کنید.
- 4- عمل : اگر دائم هم تیم های خود را مأیوس کنید ، یا در جهت اشتباه کار می کنید و یا آمادگی برای رویارویی با مسائل ندارید و وقت و انرژی خود را هدر می دهید.

"آمادگی بزرگترین دوست شجاعت و بزرگترین دشمن ترس است"

برای بهبود آمادگی مان باید :

- 1- طراح پروسه باشید:

رمز موفقیت هر چیز ، آمادگی است. آماده شدن نیاز به دور اندیشی دارد یعنی اینکه هم اکنون بدانید که به چه چیزی دست پیدا خواهید کرد.

- 2- تحقیق بیشتری انجام دهید : برای بهبود و اصلاح خود و تیم خود ، برخی از تحقیقات را انجام دهید.

- 3- از اشتباهات خود درس بگیرید: بزرگترین وسیله آمادگی می تواند ، تجربه خود شخص باشد.

"فقط یکبار می توانید ادعا کنید که غافلگیر شده اید ، بعد از آن فقط می توانید بگویید که آماده نبوده اید"

"آمادگی ممکن است که پیروزی شما را تضمین نکند ، اما مطمئناً شما را در موقعیت دسترسی به پیروزی قرار می دهد"

اصل سیزدهم:

رابطه مندی

"اگر شما با دیگران کنار بیایید، دیگران نیز با شما همراهی خواهند کرد"

"رابطه ها به ما کمک می کنند تا مشخص کنیم چه هستیم و چه چیزی می توانیم بشویم. رمز موفقیت بسیاری از ما روی محور ارتباطاتمان یافت می شود"

"هرکسی که عقایدش را بیشتر از هم تیمی هایش دوست دارد، عقایدش را به جلو خواهد برد، اما تیمش را به عقب سوق می دهد"

رابطه ها چسب هایی هستند که اعضای تیم را به هم می چسباند. هرچه این رابطه ها با هم محکم تر باشند، تیم انسجام بیشتری را خواهد داشت.

برای اینکه برانیم ارتباطات محکمی با هم تیمی های خود داریم یا نه، نکات زیر را مد نظر قرار دهیم:

1- احترام: قبل از اینکه دیگران کاری را انجام داده اند که در خور احترام باشند، احترام خود را باید به آنها نشان دهید. فقط به این علت که آنها انسانند.

2- تجربیات مشترک: احترام می تواند بنیان یک ارتباط خوب را بگذارد اما به تنهایی کافی نیست. نمی توانید با کسی که او را نمی شناسید رابطه داشته باشید بلکه نیازمند تجربیات مشترک در میان هم تیمی ها در طول زمان است و این همیشه به راحتی قابل دسترس نمی باشد.

اعتماد: بدون اعتماد نمی توان هیچ نوع ارتباطی را تحمل کرد.

"قابل اعتماد بودن صفتی بزرگتر از دوست داشته شدن است"

3- رابطه متقابل: ارتباط های یکطرفه دوام ندارد و نهایتاً رابطه ها از هم پاشیده می شود.

4- لذت بردن: وقتی رابطه ای که ایجاد شده، استهکام می یابد افراد تیم از این رابطه لذت می برند.

به منظور برقراری هر چه بهتر ارتباط با هم تیم ها یتان:

1- به جای تمرکز روی خودتان به هم تیم هایتان تمرکز کنید.

2- سؤالات درست بپرسید.

3- تجربیات مشترک را با هم در میان بگذارید.

صرف با هم بودن در خارج از محل کار نیز اهمیت دارد.

کارها را با هم انجام دهید. لحظاتی را با خانواده ها بگذارید.

"هرگز زمینه ای مشترک را با هم تیمی های خود ایجاد نخواهید کرد مگر اینکه تجربیات مشترکتان را در میان بگذارید"

4- کاری کنید که دیگران احساس کنند برایتان اهمیت ویژه ای دارند.

اصل چهاردهم :اصلاح و بهبود خود

"برای اینکه تیم را اصلاح کنید ، خودتان را اصلاح کنید"

"کمال چیزی است که شما برای آن تلاش می کنید اما کمال و بی نقص بودن غیر ممکن است. با این حال تلاش برای رسیدن به کمال غیر ممکن نیست. تحت شرایط موجود، نهایت تلاش خود را انجام دهید. این چیزی است که ارزش دارد"

"آنگونه به دنبال یادگیری و آموزش باشید که گویی تا ابد زنده اید و آنگونه زندگی کنید که گویی همین فردا می میرید"

برای اینکه دائماً خودتان را اصلاح کنید ، سه فرآیند ذیل را تبدیل به چرخه دائمی زندگیتان کنید:

1- آمادگی : اعضای تیم خود را اصلاح می کنند . برای اینکه فکر می کنند که امروز نه آینده دور، چگونه می توانند خودشان را بهتر کنند.

"این مهم نیست که می خواهید چه کاری را انجام دهید، بلکه آن کاری که اکنون در حال انجام آن هستید مهم است"

وقتی که تک تک افراد هر روز برای یادگیری چیزی مصمم باشند، برای سر و کار داشتن با هر چالشی که با آن مواجه شوند ، بهتر آماده می شوند.

2- تأمل : خلوت کردن با خود امری ضروری است و باعث می شود تا از شکست ها و موفقیت های خود چشم اندازی داشته باشید و آنچنان که از آنها درس بگیرید و به شما زمان و مکانی را می دهد که تا دید شخصی و سازمانی خود را قوی تر کنید و شما را قادر می سازد تا برای اینکه چگونه بتوانید در آینده چگونه اصلاح کنید ، برنامه ریزی کنید.

اگر تأمل دارید که دائماً بهتر شوید ، فرصت هایی را برای دور شدن و آرامش برای خود، دست و پا کنید.

3- کاربرد : زمانی می رسد که باید به انتظار خود برای کسی که می خواهید شوید ، پایان دهید و زندگی آن کسی که می خواهید باشد را آغاز کنید. یعنی اینکه هرچه را که یاد گرفته اید ، به کار ببندید و این کار بعضی از مواقع دشوار بوده چون نیازمند تغییر است.

بسیاری از مردم تنها وقتی یکی از سه مورد زیر برایشان اتفاق بیفتد ، تغییر می کنند:

- به قدر کافی صدمه دیده اند که باید خود را تغییر دهند.
- به قدر کافی آموخته اند که می خواهند تغییر کنند.
- و یا به قدر کافی باورشان شده است که قادر به تغییر هستند.

"هدفشان ، تداوم یادگیری باشد چنانکه بخواهید هر روز برای بهتر شدن تغییر کنید"

"در برتری جستن نسبت به شخص دیگر، هیچ عظمتی وجود ندارد، پیرفت آن است که نسبت به خود سابقتان برتری داشته باشید"

و اما برای اینکه خود را صلاح کنید:

- بسیار درس گیرنده باشید: غرور دشمن جدی اصلاح خویش است. بنابراین طرز فکر یک شاگرد را برگزینید نه یک استاد.

- پیشرفت خودتان را برنامه ریزی کنید:

- به اصلاح خود بیش از تبلیغ برای خود ، ارزش بدهید.

اصل پانزدهم :

از خود گذشتگی

"در تیم 'من' وجود ندارد"

"زندگی نباید منحصرأ با دلارها و سنت ها ارزیابی شود. مایل نیستیم که شکایت کنیم من کاشته ام و دیگران خورده اند. انسان وقتی تأسف می خورد که چیزی را بکارد ولی هیچ کس درو نکند"

شاعری در طعنه چنین می گوید : "ما در این دنیا هستیم تا برای دیگران کارهای خوب انجام دهیم. دیگران برای چی اینجا هستند من نمی دانم"

هیچ تیمی به موفقیت نمی رسد مگر اینکه اعضای آن دیگران را که در تیم هستند ، بر خودشان مقدم بدانند.

از خود گذشته بودن ، آسان نیست اما لازم است. اما برای اینکه از خود گذشته باشیم باید:

1- سخاوتمند باشیم : همه گرفتن ها شما را از دیگران جدا می کند و همه دادن ها شما را به دیگران پیوند می دهد.

2- از سیاست بازی در درون تیم اجتناب کنید: وقتی شخصی بتواند خارج از خودش زندگی کند ، تازه شروع به زندگی کردن می کند.

3- از خودتان وفاداری نشان دهید: وفاداری موجب پروردان اتحاد و اتحاد هم موجب پروردان موفقیت تیم می شود.

4- برای وابستگی متقابل بیش از استقلال ارزش قائل شوید: اگر کسی فقط خود را ببیند و همه چیز را به نفع خود تمام کند ، او هیچ وقت نمی تواند با خوشبختی زندگی کند. اگر می خواهید برای خودتان زندگی کنید ، برای دیگران زندگی کنید.

حال برای اینکه از خود گذشتگی داشته باشید :

- به جای خودتان شخص دیگری را تبلیغ کنید.

- نقش یک زیر دست را به خود بگیرید.

- پنهانی ببخشید.

"امروز با موفقیت زندگی نکرده اید مگر اینکه کاری برای کسی کرده باشید که توانایی جبران کردن آن را نداشته باشد"

اصل شانزدهم :

راه حل گرا بودن

"قصد کنید تا راه حل پیدا کنید"

"همیشه به توصیه های متخصصین گوش کنید. آنها کاری را که نمی شود انجام داد را و علت آنرا به شما خواهند گفت. بعد آن کار را انجام دهید"

"عیب جویی نکنید ، چاره جویی کنید" هنری فورد

نوع شخصیت ، تربیت و شرح حال شخصی شما ممکن است روی اینکه به طور طبیعی چقدر فرد راه حل گرایی هستید تأثیر بگذارد ، منتها همه می توانند راه حل گرا باشند.

حقایق زیر را که همه افرادی که به دنبال راه حل هستند آنها را می فهمند ، در نظر داشته باشید:

1- مشکلات به دیدگاه شخص بستگی دارد: موانع ، بدبیارها و شکست ها فقط بخشهایی از زندگی هستند. نمی توانید از آنها اجتناب کنید. اما به معنی آن نیست که بگذارید تبدیل به مشکلات شود. بهترین چیزی که می توانید انجام دهید این است که باذهنی که برای راه حل برنامه ریزی شده است به استقبال آنها بروید. مسئله اصلی طرز تلقی شما از مشکلات است.

2- تمام مشکلات قابل حل می باشند: بعضی از بزرگترین افراد که مشکلات را حل می کنند، مخترعان بوده اند.

3- مشکلات یا باعث توقف ما می شوند و یا باعث رشد ما .

"این بزرگ بودن و یا کوچک بودن شماست که بزرگی و کوچکی موانع را تعیین می کند"

مشکلات یا به شما آسیب می رسانند و یا به شما کمک می کنند. بستگی به این دارد که چطور به مشکلات نزدیک می شوید یا شما را از موفقیت باز می دارند و یا باعث رشد تان می شوند. بطوریکه نه تنها به آنها غلبه می کنید بلکه در این فرآیند بهتر ، واردتر می شوید. انتخاب با شماست.

و اما برای اینکه خودتان را به یک عضو راه حل گرا در تیم تبدیل کنید :

1- تسلیم نشوید .

2- روی تفکر خودتان مجدداً تمرکز کنید.

3- مجدداً روی راه برد خودتان فکر کنید.

4- روند کار را تکرار کنید.

اصل هفدهم :پیگیری و سرسختی

"هرگز ، هرگز ، هرگز دست بر ندارید"

"از دور یک چیز می بینیم ، وقتی نزدیک می شویم چیز دیگری است"

"اول باید شما کار را تمام کنید تا آن کار تمام شود"

اما آخرین صفت برای یک عضو تیم صفت پیگیری و سرسختی است . چرا که پیگیر بودن برای رسیدن به موفقیت خیلی ضروری است. حتی اگر افرادی که فاقد استعداد هستند و از نهادینه کردن بعضی از ویژگیهای حیاتی دیگر یک عضو تیم عاجز هستند ، چنانچه روحیه پیگیری داشته باشند ، این فرصت را دارند که با تیم مشارکت کرده و به آن کمک کنند.

سرسخت و پیگیر بودن یعنی:

1- همه آنچه را که دارید ارائه کنید نه بیشتر. بعضی از افراد که پیگیری ندارند به این خاطر است که آنها اشتباهاً معتقدند که پیگیر بودن از آنها چیزی بیشتر از آنچه که آنها برای ارائه کردن دارند ، طلب می کند و در نتیجه برخوردشان فشار نمی آورند و منتها پیگیر بودن مستلزم این است که شما 100٪ آنچه را دارید ، نه کمتر و نه بیشتر را رو کنید.

2- با عزم راسخ کار کنید نه اینکه منتظر تقدیر باشید: آنها می دانند که لحظات دشوار وقت دست بر نداشتن از تلاش نیست. این باور است که تفاوت ایجاد می کند.

"من از نقطه ای شروع می کنم که آخرین نفر است کشیده"

"لحظات دشوار دست برنداشتن از تلاش نیست"

3- وقتی که کار تمام می شود دست از کار بکشید نه وقتی خسته می شوید.

هرشخص موفق در می یابد که که موفقیت بزرگ درست بعد از مرحله ای است که در آن نقطه به این نتیجه رسیده اند که دیگر کاری نمی شود کرد. پیگیری آنقدر ادامه می یابد تا کار تمام شود.

اما در عمل باید:

- سخت تر و هوشمندانه کار کنید.

- چیزی را هدف گذاری کنید.

- کار خودتان را یک بازی بدانید.

"هرگز ، هرگز ، هرگز کار را رها نکنید"